



+ یادداشت

ایستادن برابر عقب‌گرد است



نرگس شفائی
رئیس اتحادیه تعاونی‌های
تولیدکننده در خراسان رضوی

در روزهایی که هیچ‌کس انتظار شعله‌ور شدن آتش جنگ را نداشت، ناگهان تهران در آتش بمب‌ها سوخت و دل همه مردم ایران را به درد آورد. تنها جمی دوباره و جنگی تحمیلی دیگر، آن هم بی هیچ دلیل موجه. با آغاز آتش جنگ، برخی همانند روزهای نخستین انقلاب و جنگ هشت ساله، از ترس جان و مال، بار سفر بستند و ناپدید شدند، اما بسیاری نیز ماندند، چرا که در طول این سال‌ها آموخته بودند که باید با مقاومت زیست.

مگر نه آنکه دشمن در چرخ‌دنده‌های تولید، صادرات و واردات، سال‌هاست که بمب افکنه‌اند و تخریب می‌کنند! حالا این تخریب، تصویری عینی به خود گرفت و به خانه‌های ما آمد، زن و کودک را مظلومانه به خاک و خون کشید.

دوازده روز مقاومت کردیم و پس از آرام شدن اوضاع، متأسفانه برخی از آب گل آلود شروع به ماهی گرفتن کردند؛ اما بسیاری نیز برای خود وظایف دوران پسا جنگ را تعریف کردند. پس از فروکش کردن آتش جنگ، هر چند ویرانی‌ها و زخم‌ها باقی مانده‌اند، اما جوامعی که سریع‌تر به پا خاستند، توانستند آینده خود را بسازند.

به عنوان یک کارآفرین، مابخشی از موتور محرک این بازسازی هستیم. ایستادن، برابر با عقب‌گرد است، حرکت، تنها راه پیش‌روست. کارآفرینان با خلق ارزش و اشتغال‌زایی، پایه‌های اقتصاد جدید را بنا می‌گذارند. از سوی دیگر، جامعه نیازمند امید است. همان‌طور که می‌دانید، فعالیت‌های اقتصادی نماد زندگی و امید هستند و روح جمعی را ترمیم می‌کنند. ویرانی‌ها، نیازهای جدیدی خلق می‌کنند و کشف این نیازها و پاسخ‌نوآورانه به آن‌ها، بنیان ثروت آینده را شکل می‌دهد. درست است که شرایط دشوار است، اما کارآفرینان باید بار اهلکارهایی مسیر حرکت به جلو را در پیش گیرند. خود من، به عنوان یک کارآفرین، یکی از کسب‌وکارهایی را که دچار آسیب شده بود، در این روزها به صورت اینترنتی و آنلاین تغییر داده‌ام و نتایج خوبی نیز حاصل شده است. اهلکارهایی هم به ذهنم می‌رسد، از جمله:

- کسب‌وکار پیشین را با واقعیت‌های جدید منطبق کنیم.
- قطعا بازارها عوض شده‌اند و منابع کمیاب‌تر، مدل‌های کسب‌وکار ساده، کم‌هزینه و متمرکز بر نیازهای فوری جامعه طراحی کنیم.
- کمبودها را به موتور خلاقیت تبدیل کنیم. از مواد بازاریافتی و فناوری‌های کم‌مصرف استفاده کنیم و بر روی فناوری‌های ارتباطی و دیجیتال سرمایه‌گذاری کنیم.
- به دنبال تأمین‌کنندگان محلی و جایگزین آن‌ها باشیم. وابستگی به واردات مخاطره‌آمیز است. همکاری‌های محلی و زنجیره‌های تأمین کوتاه را تقویت کنیم.
- افراد زیادی در جست‌وجوی کار هستند. با استخدام و آموزش، هم شغل خلق می‌کنیم و هم مهارت‌های مورد نیاز جامعه بازسازی می‌شود.
- روحیه تیمی و تاب‌آوری روانی را در سازمان خود پرورش دهیم.
- کسب‌وکار بخشی از تاروپود جامعه است. در پروژه‌های کوچک بازسازی محلی مشارکت کنیم، حتی به صورت غیرمستقیم.
- شفافیت و اخلاق‌مداری در این دوران نقشی حیاتی در ایجاد اعتماد عمومی دارد.

یادمان باشد که دوران پسا جنگ، آزمون‌نهایی کارآفرینی است. اینجا نه فقط سود که بقا، امید و بازسازی یک ملت در گرو حرکت ما است. توقف و انتظار برای شرایط ایده‌آل، خیانت به ظرفیت‌مان است. با شجاعت، نوآوری و تعهد بی‌قید و شرط به پیشرفت، نه تنها کسب‌وکارمان را نجات می‌دهیم، بلکه سنگ‌بناهای اقتصادی‌ای را می‌گذاریم که از گذشته مستحکم‌تر خواهد بود.

به یاد داشته باشیم بازسازی با اولین قدم یک کارآفرین آغاز می‌شود، نه با انتظار برای دستور دولتی. حرکت کنیم، بسازیم، الهام‌بخش باشیم. آینده منتظر ما نمی‌ماند.

گرفته؛ همین حضور با لباس رسمی باعث تأثیرات فراوانی شده و حتی روی پوشش برخی از آقایان نیز اثر گذاشته است.»

او از روزهایی که در اینجا برنامه داشته، خاطرات زیادی دارد؛ یکی از آن‌ها مربوط به خانمی نقاش است که تصویر پدر شهیدش را برایش کشید. می‌گوید: «چند وقت پیش، خانمی آمد به برنامه ما و گفت نقاش است، اما چشمانش سو ندارد. کنارمان نشست و با همان بینایی کم، تصویر شهید رئیسی، شهید حاجی زاده و پدرم را کشید و رفت. اتفاقات عجیب در اینجا کم نیستند. یک بار همین عینک واقعیت مجازی را بر چشمان خانمی گذاشتم که پوشش مناسبی نداشت. نمی‌دانید پس از تماشای صحنه‌های عاشورا چه اشک‌هایی ریخت.»

چله‌ای برای جنگ

تشکل شهید عرفایی، چله‌هایش در ایام جنگ دوازده‌روزه هم برقرار بوده است. در این باره مسئول این تشکل می‌گوید: در دوره جنگ دوازده‌روزه برنامه ما برقرار بود. اتفاقاً همان صبح روز اول چون ایام عید بود شیرینی هم خریده بودیم که پخش نکردیم. قرار بود جشن خودرویی بگیریم که به یک برنامه حماسی تبدیل شد. با خودروها اول سمت استانداری رفتیم و بعد هم حرم و در طول مسیر شعارهای ضد صهیونیستی می‌دادیم. روزهای اول تعداد افراد کم شده بود. قبلاً تاروژی ۲۰۰ نفر صبحانه می‌دادیم ولی وقتی جنگ شد به حدود یک سوم رسیده بود. البته این اتفاق در روزهای اول بود و دوباره به روال عادی برگشتیم. از آن به بعد که وارد چله دوم هم شده بودیم، مسئله اصلی تبیین مسائل جنگ بود، همین سؤالاتی که دشمن ذهن مردم را با آن درگیر کرده است. مثل اینکه چرا باید بجنگیم؟ چرا باید هسته‌ای داشته باشیم و... ما الان پاسخ‌گویی به شبهات داریم و الگوریتم‌های حرکتی ایران و آمریکا را مطرح می‌کنیم. در کنارش من همیشه به دخترانی که حجاب مناسبی ندارند می‌گویم تلاش نیروهای امنیتی را برای دفاع از کشور ببینند و در امنیت روانی جامعه مشارکت کنید. برای چله سوم برنامه‌های ویژه داریم و می‌خواهم چله اشک بزنم. فضایی معنوی از عکس‌شهادی دفاع مقدس در کنار عکس شهادی جدید با سربند، پلاک، فانوس و نورپردازی خاص که به امید خدا اثرگذار بتوانیم باشیم.



عینکی برای تغییر

صبحانه هر روز، بسته به میزان کمک‌های خیران و توان مالی خودشان، متفاوت است؛ از نان قندی گرفته تا نان و پنیر. به قول خانم عرفایی: «هزینه‌ها را خودمان یک‌جوری جور می‌کنیم.»

برنامه هر روز از ساعت ۶ صبح شروع می‌شود و تا حدود ۸:۳۰ ادامه دارد. در این مدت، اعضای تشکل شهید عرفایی تلاش می‌کنند تا بر رهگذران اثرگذار باشند. برای تأثیرگذاری بیشتر، این روزها خانم عرفایی یکی از عینک‌های واقعیت مجازی را تهیه کرده است که واقعه عاشورا را به تصویر می‌کشد. خودش می‌گوید: «اینجا میزهای شهدایی داریم و از وصیت‌نامه‌های شهدا برای مخاطبان نکته‌برداری کرده‌ایم. از خودم ۳۰ میلیون تومان داده‌ام و این عینک را خریده‌ام تا بتوانم دختران نوجوان و جوان را جذب کنم. اول برایشان بازی می‌گذارم تا حساسی کیف کنند، بعد فیلم چند بعدی واقعه عاشورا را پخش می‌کنم. نمی‌دانید چقدر با این فیلم‌گریه کرده و متنبه شده‌اند. خیلی‌ها همان‌جا روسری که هدیه می‌گیرند را می‌پوشند و می‌روند.»

در کنار آن، محتوای آموزشی در حوزه عفاف و حجاب نیز به خانم‌ها و دختران هدیه داده می‌شود. خیلی از روزها دوستان هم مسیر می‌آیند و کمک می‌کنند، اما در کل واقعه کار سختی است.

خانم عرفایی می‌گوید: «می‌خواهم همه سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد وارد میدان شوند و به ما کمک کنند. چند روزی است که

روحانیت پای کار

آمده و کنار ما قرار